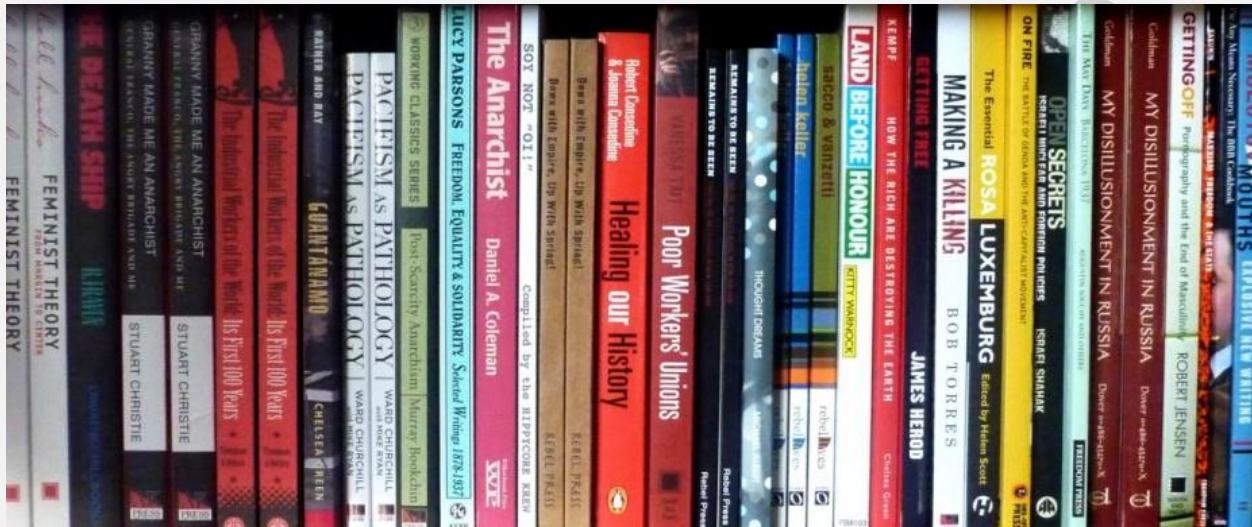


آیا کتاب در خانه ایرانیان جایی دارد؟



آیا کتاب در خانه ایرانیان جایی دارد؟

مجله را ورق می‌زدیم در هر صفحه نشانی از کتاب یا روزنامه بود حالا می‌خواهد اتاق پذیرایی باشد یا اتاق خواب یا حتی کنار وان حمام یا میز آشپزخانه گویی عکاس یا آرایه‌گر عمدی داشته در بیان ضرورت حضور کتاب در فضای خانه اما در طراحی خانه ما و همسایه‌هایمان و دوستانمان هیچ نشانی از مکانی برای کتاب نبود زیر بوفه‌ها گاهی مجله‌ای یافت می‌شد که در آن را به‌دقت قفل کرده بودند مبدا که حضور این کالای فرهنگی چیدمان خانه را به هم بریزد و برق ظروف بوفه را کم‌رنگ کند.

با دوستی درباره معماری خانه‌های ایران و کشورهای دیگر حرف می‌زنیم استدلال من این است که در معماری اروپایی کتاب به‌واسطه ارزش فی‌نفسه خود در معرض عموم قرار می‌گیرد و در معماری خانه مکانی برای آن در نظر می‌گیرند جایی که لزوماً در یک اتاق مجزا و تاریک نیست بلکه در دسترس‌ترین محل خانه را شامل می‌شود او مخالف این مقایسه است و فقدان فضا برای کتابخانه را در استفاده از بیشترین فضا برای معماران می‌داند استدلال او برچیده شدن طاقچه‌ها و آرایه‌هایی است که در گذشته ظروف قیمتی خانه در آن جای می‌گرفت و امروز آن‌ها به‌واسطه کم بود فضای خانگی حذف شده‌اند بر این مبنا است که بوفه‌ها جای دکورهای قدیمی را گرفته‌اند و خانواده‌ها اقدام به خرید آن‌ها برای جای دادن ظروف بلور جهیزیه خانم کرده‌اند از

نگاه من از آنجاکه کتاب از همان ابتدا جزو ضرورت‌های زندگی ایرانی نبود جایگاهی برای این کالای فرهنگی تعبیه نشده و به‌ناچار اگر کتابی هم در خانه بود یا به انبار رفت یا گوشه‌ای دنج و تاریک که هر از گاهی صاحب‌خانه به‌طور اتفاقی نگاهی به آن بی اندازد و یادی از گذشته‌ها کند. دوست ما اما همچنان مخالف است و استدلالش بر مبنای کتابخانه‌هایی است که در خانه اطرافیان خود می‌بیند کسانی که با کتاب به‌مثابه یک شی اضافی برخورد نمی‌کنند و آن را همچون باری که در هر اسباب‌کشی باید هزینه‌ای افزون بر هر کالای خانگی برای آن بپردازند نمی‌نگرند آمار سرانه مطالعه در ایران اما همچنان نشانی از مهجور بودن این کالای فرهنگی در سید خانوارهاست. مردمی که در طول سالیان سال عادت به کتاب‌خوانی نکرده‌اند و آن را به‌مثابه ضرورت زندگی خویش ننگریستند حال چه فرهنگ شفاهی به‌واسطه دیر وارد شدن صنعت چاپ به ایران را بهانه کنیم یا محدود بودن دوره کتاب‌خوانی به‌واسطه ورود دنیای دیجیتال را عذری بر آن بیاوریم. می‌شود تقصیر را گردن معلمان ترکه به دست مدارس انداخت و آنان را مسبب و درعین‌حال قربانی فقدان فرهنگ مطالعه در جامعه برشمرد که باوجود بالا رفتن سطح سواد افراد در جامعه ایران نتوانستند کتاب‌خوانی را به‌عنوان یک فرهنگ در دانش‌آموزان خود درونی کنند. اما در دنیای مدرن که خانواده‌ها با همه ابزارهای آن آشنا هستند تنها نمی‌توان با گرفتن انگشت اتهام به‌سوی دیگری تقصیر را از گردن خویش باز کرد. ماسال‌هاست عادت کرده‌ایم بخش‌های ساده و راحت طلبانه را از آن‌طرف آبی‌ها بگیریم اما شاید لازم است نگاهی به خانه بی اندازیم و مقایسه‌ای داشته باشیم در جای خالی کالاهای فرهنگی میان خانه خود و خانه آن‌ها و بدانیم ضرورت یک کالای فرهنگی و کتاب در خانه به‌اندازه یک کالای مصرفی است و باید برای هر دو بخشی از هزینه خانوار را در نظر گرفت.

<http://motaresharif.com>